■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبـح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۸ | ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۵۸ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2019 August 17

حدیث روز: تحف‌العقول
امام هادی(ع): نادان، اسیر زبان خویش است.

پلک احساس: حافظ
دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت
عمری است که عمرم همه در کار دعا رفت

امروز در تاریخ:
- ولادت پیشوای دهم شیعیان حضرت امام هادی(ع) در مدینه (۲۱۲ ق)
- آغاز بازگشت آزادگان از بند رژیم بعثی پس از سال‌ها اسارت (۱۳۶۹ ش)
- عرضه نخستین لوح‌های فشرده (سی‌دی) در آلمان (۱۹۸۲ م)
- زادروز رابرت دنیرو، بازیگر و کارگردان، برنده جایزه اسکار (۱۹۴۳ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۸ | غروب آفتاب: ۱۹/۵۲
اذان مغرب: ۲۰/۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۴/۵۴ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۵

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اهواز	اردبیل	اصفهان	بوشهر	خرم‌آباد	رشت	کرمانشاه
۳۶ / ۲۴	۴۵ / ۲۹	۲۸ / ۱۲	۳۶ / ۱۳	۳۸ / ۲۹	۳۷ / ۱۴	۳۴ / ۲۰	۳۲ / ۱۸

حکمت ۵۰: نهج‌البلاغه
دل‌های مردم گریزان است. به کسی روی آورند که خوشرویی کند.

گفت‌وگو با عبدا... باکیده، کارگردان سریال نبردی دیگر در سالروز ورود آزادگان

روزی که جهان از آن بی‌خبر است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

۲۹ سال قبل در چنین روزی ۳۵ دستگاه اتوبوس در مرز خسروی به خط شده بودند. مرز پر از آدم بود و مردم همه کشور، آنهایی که لب مرز نرفته بودند چشم دوخته بودند به صفحه تلویزیون یا گوش سپرده بودند به رادیو. چشم همه پر از اشك بود. تنها روزی که همه گریه می‌کردند، از خوشحالی از غم. ۲۶ مرداد که اسرای ایرانی، لب مرز خسروی منتظر ورود به وطن بودند، یکی از عجیب‌ترین و فراموش‌نشدنی‌ترین روزهای تاریخ ایران است. هر محله‌ای چند تایی اسیر داشت که حالا منتظر بازگشتن‌شان بودند. هر محله‌ای یك یا چند تا مفقودی داشت که چشم به راه بودند که شاید در میان اسرایی باشند که آزاد شده‌اند.

روز ۲۶ مرداد ۶۹ یکی از دلهره‌آورترین و در عین حال زیباترین روزهای تاریخ ایران بود. آنهایی که این روز را دیده‌اند هرگز فراموشش نخواهند کرد و نسل‌های بعد تصاویر این روز را خواهند دید و در بهت فرو خواهند رفت.

۳۵ اتوبوس در مرز خسروی به خط شده بودند و مردانی را با خود آورده بودند که روزهای جنگ، لحظه اسارت و روزهای سخت اردوگاه‌های بعثی را تحمل کرده بودند و حالا برگشته بودند. ۲۶ مرداد ۶۹ روز اشك بود، اشك شادی، اشك غم. بعدها مردان آن ۳۵ اتوبوس، آزاده نام گرفتند. دیگر اسیر نبودند.

عبدا... باکیده که سال ۷۳ سریال نبردی دیگر را با موضوع زندگی اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراقی ساخت، در گفت‌وگو با جام‌جم به نکته ظریفی اشاره کرد. خیلی از آزاده‌هایی که به وطن برگشتند تا مدت‌ها شرمنده و غمگین بودند. آنها شرمنده خانواده شهدا و مفقودین بودند، آنها شرمنده بودند که چرا شهید نشده، زنده مانده و دوباره کنار خانواده‌هایشان هستند! حس عجیبی است، شرمنده زنده ماندنت باشی، حتی اگر سال‌ها در اردوگاه‌های عراقی طعم تلخ و زجرآور اسارت را چشیده باشی!

ردپای آن سید بزرگوار

عبدا... باکیده می‌گوید: برای ساخت سریال نبردی دیگر حدود شش ماه تحقیق کردیم. همکارم آقای هوشمند، مدیریت این تحقیقات را به عهده داشت. با اسرای زیادی گفت‌وگو کردیم و یاور و مشاورمان این در مسیر و زمان ساخت سریال شهید ابوترابی بود که خودش سال‌ها اسیر دست بعثی‌ها بود. او بود که ما را راهنمایی کرد که درباره چه چیزهایی از اسرا بپرسیم. نکته جالب اینجاست به اسرایی که تمایلی به همکاری نداشتند، می‌گفت با گروه ما همکاری کنند. او بعد از آزادی هم در دل آزادگان جای داشت و آنها گوش به حرفش می‌دادند. اوایل کارمان سراغ اسرا که می‌رفتیم آنها کمتر واقعیت را می‌گفتند، ترجیح می‌دادند از غم‌ها و غصه‌هایشان نگویند از شکنجه‌ها و اذیت‌هایی که شده‌اند کمتر می‌گفتند، اما بعد از این که ما از آقای ابوترابی کمك خواستیم، تقریبا این مشکل حل شد. آن شهید بزرگوار در زمان تولید سریال هر هفته با سبدی از میوه به دیدار ما می‌آمد و از خاطراتش از اردوگاه‌های عراقی و اسرای ایرانی می‌گفت. در آن سال‌های اول اسارت، برخی از اسیران راضی نبودند که مثلا برای عید نوروز سفره هفت‌سین پهن شود، اما شهید ابوترابی خودش دست به کار می‌شود و سفره هفت‌سین پهن می‌کند برای روحیه دادن به اسرا. شهید ابوترابی برای شادی اسرا و روحیه دادن به آنها هر کاری از دستش برمی‌آمده انجام داده، خودش برایم تعریف کرد حتی ترانه‌های کوچه‌بازاری را هم می‌خوانده تا همه اسرا با هر عقیده و رفتاری را کنار هم نگه‌دارد و اعتماد را بین اسرا نهادینه کند.

شهید ابوترابی با درایتی که داشته، بین اردوگاه‌های مختلف، شبکه‌ای راه‌اندازی می‌کند تا اسرا از هم با خبر باشند، اگر کسی یا کسانی کم آوردند و می‌خواستند گرایشی به سمت دشمن داشته باشند، دیگران متوجه شوند. اگر کسی بیمار بود یا روح و روانش کم آورده بود، بقیه متوجه شده و به او کمك کنند.

یونس در اردوگاه

شاهد احمدلو وقتی در سریال نبردی دیگر بازی کرد، ۲۰ سال داشت، اما با گریم او را جوان‌تر کرده بودند. او در این سریال یونس نام داشت و نماینده همه نوجوانانی بود که در جنگ اسیر شده بودند. نماینده‌ای برای آن ۲۳ نفر که سال گذشته فیلمشان ساخته شد. باکیده می‌گوید: قرار بود در سریال نبردی دیگر به ۲۳ نفر بیشتر توجه کنیم، اما بعد به این نتیجه رسیدیم که سریال ما درباره همه گروه‌های سنی است که دوره اسارت را سپری کرده‌اند و فراگیری زیادی دارد برای همین فقط یونس را در جمع بقیه اسرا قرار دادیم. در زمان تحقیقات به ما گفتند که اسرای بزرگسال حواس‌شان به اسرای نوجوان بوده و به‌شدت از آنها مراقبت می‌کردند که کمتر آسیب بینند. حواس‌شان حتی به درس خواندن آنها هم بوده و کمیته‌ای تشکیل شده بوده که به بی‌سوادها یا کم‌سوادها درس بدهند و برای آنهایی که سواد داشتند کتاب فراهم می‌کردند و به آنها درس می‌دادند.

سانسور شدیم

شهید ابوترابی گاهی که به پشت صحنه سریال می‌آمدند، با خنده و شوخی به ما می‌گفتند شما سانسورچی هستید! چرا همه واقعیت‌های اردوگاه‌ها را به تصویر نمی‌کشید؟ برخی از صحنه‌هایی را هم که ضبط کرده بودیم در زمان پخش حذف کردند. به ما گفتند وزارت خارجه وقت گفته سکانس‌هایی که خشونت زیاد بعثی‌ها را نشان می‌دهد حذف کنیم. در زمان تحقیق متوجه شدیم که برخی از اسرا با اثر فشارهای زیادی که تحمل کرده‌اند به بیماری اعصاب و روان مبتلا شده‌اند. برخی از خانواده‌ها که از رزمنده خود بی‌خبر بودند فکر کرده بودند که رزمنده‌شان شهید و مفقود شده و برخی از همسران آنها ازدواج مجدد کرده بودند و وقتی اسیر برگشته بود هم خودش و هم خانواده‌اش با چالشی سهمگین مواجه شده بودند!

به باکیده می‌گویم، درباره اسرای جنگ‌ها وقتی فیلم یا سریالی ساخته می‌شود در جهان توزیع نمی‌شود تا مردم دنیا متوجه شوند که جنگ چه تبعاتی دارد. مثلا فیلم‌های زیادی درباره اردوگاه‌های جنگ جهانی دوم ساخته شده که بیشتر مردم دنیا آنها را دیده‌اند یا درباره اسرای ژاپنی و... چرا آثار سینمایی و تلویزیونی اسرای ایرانی دیده نشد و جهانیان کمتر به آنها توجه کردند.

این کارگردان می‌گوید: جهانیان و گردانندگان تلویزیون‌ها و سینمای جهان تمایلی به دیدن اسرای ما و زندگی آنها در اردوگاه‌های صدام نداشتند.

کشورهایی که سینما و رسانه‌های جهان را مدیریت می‌کنند، خودشان حامی صدام بودند برای همین تمایل نداشتند به مردم دنیا بگویند که صدام در جنگ با ایران چه اقدامات شومی کرد و چه بلاهایی بر سرسرای ما آورد. البته سریال نبردی دیگر را مردم کشورهای عربی و همسایه از طریق شبکه‌های الکوثر و سحر تماشا کردند و متوجه عمق فاجعه شدند.

زمانی که برای سریال اشغال به عراق رفتم و برخی از هنرمندان عراقی را دیدم و با آنها صحبت کردم آنها گفتند که نبردی دیگر را دیده‌اند. وقتی برای کار آنها را به خرمشهر و اهواز آوردیم با دیدن بخشی از فاجعه‌ای که جنگ به بار آورده بود و جنایات بعثی‌ها در اهواز و خرمشهر آنها روی زمین زانو زدند و گریه کردند.

سال‌ها از جنگ گذشته، اما هنوز مردم جهان نمی‌دانند صدام در هشت سال جنگ با ایران چه کرد، نمی‌گذارند که جهانیان بدانند.

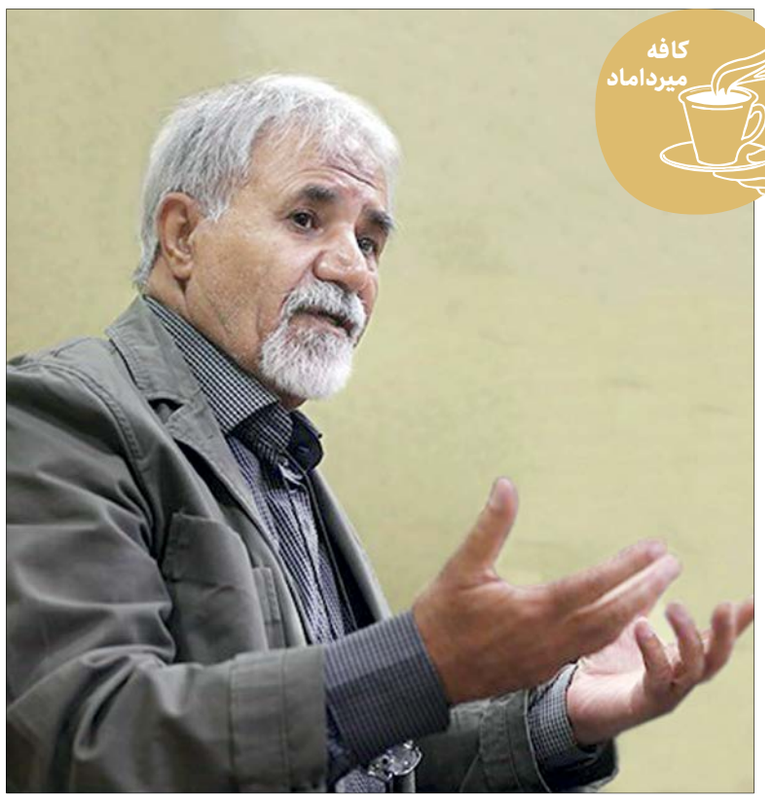

کافه میرداماد

بازنشسته‌های خوشبخت هلندی

هلند بهترین نظام بازنشستگی جهان تا پایان سال ۲۰۱۸ را داشته است.

به گزارش خبرآنلاین، موسسه مرکر در گزارش جدید خود به رتبه‌بندی نظام‌های بازنشستگی ۳۴ کشور توسعه یافته جهان تا پایان سال ۲۰۱۸ پرداخته است که در آن کشورها بر اساس شاخص‌های مزایا، طراحی نظام بازنشستگی، میزان پس‌انداز، حمایت‌های مالیاتی دولت‌ها از بازنشستگان، میزان مالکیت مسکن، دارایی‌ها، پوشش بیمه، رشد اقتصادی، بدهی دولت به بیمه‌گران، حکمرانی، هزینه‌های زندگی بازنشستگان و متوسط درآمد آنها پرداخته است. کشورها بر حسب امتیاز خود از صفر تا صد رده‌بندی شده‌اند که صفر بیانگر کمترین امتیاز و صد بیانگر بیشترین امتیاز است. کشورهای برتر عبارتند از: هلند، دانمارك، فنلاند، استرالیا، سوئد، نروژ، سنگاپور، شیلی، نیوزیلند، کانادا، سوئیس، آلمان، انگلیس، فرانسه، عربستان و آمریکا.

بارش پلاستیك در قطب

مطالعات نشان داده است که حتی در محیط بکر قطب شمال هم برفی که از آسمان می‌بارد حاوی ذرات ریز پلاستیکی است.

به گزارش ایسنا، کارشناسان می‌گویند تعداد این ذرات آنها را شگفت‌زده کرده که به بیش از ده هزار ذره در هر لیتر می‌رسد. این به آن معنی است که تنفس حتی در این محیط هم می‌تواند ذرات میکروپلاستیکی را وارد ریه کند، هرچند پیامدهای آن برای سلامتی روشن نیست. این منطقه یکی از آخرین محیط‌های بکر جهان تلقی می‌شود. میکروپلاستیك به ذراتی گفته می‌شود که اندازه آنها کوچك‌تر از پنج میلیمتر باشد.

کودکان کار آمریکایی

لوئیس هاین، عکاس و معلم آمریکایی بیش از صد سال پیش عکس‌هایی از کودکان کار در آمریکا گرفته که اکثر آنان سیگاری بودند.

به گزارش فرارو، لوئیس هاین از زندگی مهاجران فقیر، معدنچیان زغال سنگ پیتسبرگ و کودکان کار عکاسی می‌کرد. در آن زمان بیش از یك میلیون کودك در کارخانه‌ها مشغول کار بودند.

از عکس‌هایی که لوئیس از این کودکان گرفته مشخص است که آنها خیلی سریع‌تر از همتایان امروزی خود بزرگ شده‌اند. کودکان کار در آن زمان برای کارفرمایان به این دلیل که دستمزدهای کمتری به آنان پرداخت می‌کردند جذاب بودند.

عکس: مهر
جهادگران حوزه پزشکی به روستای حصارچه جرگلان خراسان شمالی رسیدند

ربات قهوه‌چی مشغول به کار شد

آن دسته از مسافران فرودگاه سان‌فرانسیسکو که در پایانه شماره ۳ این فرودگاه توقف کنند، از این پس می‌توانند از یك ربات هوشمند قهوه‌چی برای رفع خستگی استفاده کنند.

به گزارش فارس، این ربات قهوه‌ساز توسط شرکت فناوری بریگو تولید شده و بدون توقف در هفت روز هفته و ۲۴ ساعت شبانه‌روز آماده خدمت‌رسانی به مشتریان است. نصب دستگاه‌های خودکار تحویل قهوه و چای و ... در اماکن عمومی، پدیده تازه‌ای نیست. اما ربات یادشده برای ارائه قهوه با طعم و کیفیت بالا و بر مبنای سلیقه و ذائقه هر فرد طراحی و ساخته شده است. در واقع ربات مذکور یك قهوه‌چی است که می‌تواند آنچه را کاربر واقعا تمایل به نوشیدنش دارد، آماده کند. ربات مذکور که به شکل یك جعبه بزرگ با نمایشگر لمسی طراحی شده می‌تواند هر ساعت تا حداکثر صد فنجان قهوه آماده کند تا پاسخگوی نیازهای محیط‌های شلوغی همچون فرودگاه سان‌فرانسیسکو باشد. همچنین یك نرم‌افزار هم برای این ربات طراحی شده تا علاقه‌مندان قبل از رسیدن به دستگاه قهوه خود را سفارش داده و آن را دریافت کنند.

مقطع حساس کنونی

داستان تأسف‌انگیز خانم رسول‌زاده نادان

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

ظهر یك روز پاییزی خانم رسول‌زاده برای انجام یك عملیات بانکی وارد شعبه مرکزی بانك می‌شود و مشاهده می‌کند جمعیت عظیمی در نوبت انجام عملیات بانکی نشسته‌اند. دکمه دستگاه نوبت‌ده را فشار می‌دهد و از دستگاه یك شماره می‌گیرد. روی برگه نوشته است که ۴۹ نفر پیشتر از او در نوبتند. تصمیم می‌گیرد به شعبه دیگری از بانك مراجعه کند، اما ناگهان یکی از همسایگانش را می‌بیند. می‌ایستد و با او سلام و علیك می‌کند. خانم همسایه به او می‌گوید دو نفر دیگر نوبت اوست و او دو شماره گرفته است و از او می‌پرسد آیا می‌خواهد یکی از شماره‌ها را به او بدهد؟ خانم رسول‌زاده می‌گوید بلی و شماره دوم را از خانم نادری می‌گیرد و زودتر از ۴۶ نفری که از او جلوترند است عملیات بانکی‌اش را انجام می‌دهد و بیرون می‌رود. در بیرون باران شدیدی می‌بارد. مسافران در کنار خیابان ازدحام کرده‌اند و تاکسی‌ها آنها را سوار نمی‌کند. خانم رسول‌زاده به یك تاکسی که بی‌اعتنا به انبوه مسافران، دنبال مسافر دربستی می‌گردد می‌گوید دربست. وقتی راننده شیشه را پایین می‌دهد، به او می‌گوید: ۵۰ تومن ونك و سوار می‌شود. تاکسی کمی جلوتر در بزرگراه مدرس به ترافیك سنگین می‌خورد. خانم رسول‌زاده به راننده تاکسی می‌گوید تاکسی را به خط امداد هدایت کند و از کنار ماشین‌های متوقف‌شده برود و ۲۰ هزار تومان کرایه اضافه بگیرد. راننده تاکسی همین‌کار را می‌کند و در انتهای ترافیك با گردشی هنرمندانه تاکسی را به مسیر اصلی بازمی‌گرداند. در میدان ونك خانم رسول‌زاده از تاکسی پیاده می‌شود وارد شرکت محل کارش می‌شود. تنی چند از مراجعین را مشاهده می‌کند که پشت در اتاق وی منتظر آمدن وی هستند. خانم رسول‌زاده بی‌اعتنا به مراجعین وارد اتاقش می‌شود و در را می‌بندد و پشت میزش می‌نشیند و از داخل فلاسکی که مستخدم شرکت روی میز وی گذاشته یك لیوان آب جوش می‌ریزد و یك قهوه فوری درست می‌کند. سپس روزنامه آن روز را که مستخدم شرکت روی میزش گذاشته برمی‌دارد. نخست تیتر اخبار را از صفحه نخست می‌خواند سپس روزنامه را برمی‌گرداند و به مطالعه مطالب صفحه آخر روزنامه مشغول می‌شود....

خب خانم رسول‌زاده، خوب گیرت آوردم. چرا شما شعور ندارید؟ آن‌همه آدم در بانك، آن‌همه خودرو در ترافیك و حالا این‌همه آدم در شرکت. آیا فکر می‌کنید چون پول دارید به شعور نیاز ندارید؟ کاری نکنید تا بقیه اعمال ضدفرهنگی و ضدمردمی‌تان و حتی آن فساد مالی‌تان را در همین ستون افشا کنم....

خانم رسول‌زاده روزنامه را تا می‌کند و روی میز می‌گذارد. تلفن را برمی‌دارد و به مستخدم شرکت می‌گوید از فردا به‌جای روزنامه جام‌جم روزنامه [...] را بخرد و قهوه فوری‌اش را هورت می‌کشد!

افشای راز درد

محققان سوئدی سلول‌هایی را کشف کرده‌اند که دور سلول‌های عصبی وجود دارند و احساس درد را به لایه خارجی پوست بدن انسان منتقل می‌کنند.

به گزارش مهر، دانشمندان بخش جدیدی از بدن انسان را کشف کرده‌اند که در احساس درد دخالت دارد. آنها امیدوارند با کمك این کشف جدید بتوانند داروهای مسکن جدیدتری بسازند. به گفته محققان، سلول‌های مخصوصی که دور سلول‌های عصبی احساس درد وجود دارند تا بخش بیرونی پوست انسان کشیده و به حس درد در بدن منجر می‌شوند. آنها نوعی از سلول‌های Schwann هستند که سلول‌های عصبی را دربر می‌گیرند و به ادامه حیات آنها کمك می‌کنند.